

الگوی مصرفی و درآمدی خانوار در دوران مشروطه

myeganeh@ut.ac.ir

محمد رضا جوادی یگانه

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

motavaselim@gmail.com

محمود متوسلی

استاد دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه تهران

smtohidlou@gmail.com

سمیه توخیدلو

دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

(نویسنده مسئول مکاتبات)

پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۰۴

دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

چکیده: دوره مشروطه و سال‌های منتهی به آن، شاهد بروز و ظهور سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی بسیاری بر اثر مواجهه شاه و روشنفکران با غرب بوده است و تلاش‌های بی‌شماری نیز جهت اصلاح امور اقتصادی صورت گرفته است. با توجه به حضور و فعالیت چشم‌گیر تجار، می‌توان این دوره‌ها را دوره‌های فعال اقتصادی نامید؛ اما در این میان آنچه کمتر دیده شده و به آن پرداخته شده، ویژگی‌های رفتاری و سبک زندگی ایرانیان به خصوص در شهرها بوده است. موضوع انسان و نیز مباحث مستقیم مربوط به اقتصاد معیشتی امر مغفول در اسناد تاریخی و تحلیل‌های تاریخی پس از آن است. توجه به این مهم که اوضاع اقتصادی چگونه بر افراد سهل یا تنگ می‌گرفته، ماجرای است که جزء به اختصار و تنها در زمان‌های قحطی روایت نشده است. این پژوهش تلاش دارد که ابتدا چهره‌ای از ایرانی دوره پایانی قاجار به لحاظ سبک زندگی و استفاده از کالاهای فرهنگی و یا ضروری ارائه دهد و بر اساس اندک داده‌هایی که از قیمت‌ها و اوضاع اقتصادی از ابتدای دوره ناصر تا برآمدن رضاخان در اسناد، سفرنامه‌ها و کتب تاریخی متعدد وجود دارد، تصویری از وضعیت اقتصادی، سبب مصرفی و درآمدی خانوارهای ایرانی را به تصویر بکشد. در نهایت الگوی تورم سالانه، دلایل پیدایش تورم‌های حاد مقطعی، اوضاع روستاییان و شهرنشینان در قبال تورم موجود و نیز برخی اسناد از ویژگی‌های درآمدی مردم در آن دوران از نتایج این پژوهش بوده است.

کلیدواژه‌ها: دوره مشروطه، سبک زندگی، سبب مصرفی، سبب درآمدی، نرخ تورم.

طبقه‌بندی JEL: A14, D71, N35

مقدمه

یکی از بارزترین معرفه‌های رفتار اقتصادی، به‌دست آوردن سبد مصرفی و درآمدی خانوار ایرانی است. شاید به‌دست آوردن اقلام مصرفی طبقه‌های مختلف اجتماعی در زمان حال امری دشوار به نظر نیاید؛ اما یافتن جزییات زندگی اقتصادی در خلال تاریخ در بین مردمانی که اغلب حتی سواد نوشتن و خواندن نداشته‌اند تا بتوانند چیزی ثبت کنند، چه برسد به ثبت جزییات امور اقتصادی، کاری مشکل به نظر می‌رسد. تاریخ‌های نوشته شده اغلب توصیفی از وضعیت دربار و امور کلان‌تر است. بررسی وضعیت خرد اجتماعی و نحوه زندگی و مدیریت امور توسط مردم، کمتر در دل تاریخ‌های روایت شده دیده می‌شود. خواندن تاریخ از خلال وضعیت دولت‌ها و یا ویژگی‌های استعماری و شرح وابستگی‌ها، ما را از مطالعه و شناخت افراد دوره قاجار بازداشته است. در واقع ایرانی که در آن دوران می‌زیسته فرد شناخته‌شده‌ای نبوده است. سبک زندگی، نحوه گذران آن و نوع تلاشی که می‌کرده اغلب در میان مطالعه‌های پهن‌دامنه‌تر رنگ باخته است.

مقاله حاضر ماحصل پژوهشی کیفی و تاریخی از دوران قاجار است. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، سبک زندگی، سبد فرهنگی و مصرفی ایرانیان در این دوره از تاریخ است و یافتن اطلاعاتی خرد از سبک زندگی مردم تنها از طریق اسنادی چون روزنامه‌های آن دوران، برخی از خاطرات به جا مانده از شخصیت‌های ایرانی و سفرنامه سیاحان به ایران، قابل استخراج است. روایت اقتصادی که در همین منابع نیز آمده، اغلب به تک ارقام و یا چند قیمت از چند محصول خاص بسنده شده است و شناختن اوضاع اقتصادی مردمان جز به مدد مطالعه‌های زیاد امکان‌پذیر نبوده است. از این‌رو آنچه در پیش‌رو می‌آید، در واقع استخراج، تألیف، تحلیل و نتیجه‌گیری درباره وضعیت اقتصادی مردم در آن روزگار است. در واقع جداولی که از شرح قیمت‌ها ارایه شده به‌طور تقریبی در هر خانه از جدول دارای منبع مجزایی است که از طریق هم‌تراز شدن در کنار دیگر اعداد نشسته است. این امر طبیعی است، زیرا کمبود اطلاعات امکان نقص و اشتباه در آنها را بالا می‌برد، چرا که گزینه‌های دیگری برای مطابقت و مقایسه با آنها نیز وجود ندارد. با این وجود با کنار هم گذاشتن ارقام نسبی و مقایسه منطقی بین آنها می‌توان به‌طور نسبی به نتایج خوبی دست یافت.

نکته حایز اهمیت در بررسی وضعیت اقتصادی خانوار در دوران مشروطه توجه به مقطعی از تاریخ است که به‌عنوان روزگار پیدایش و شکل‌گیری نهادهای مدرن و اقتصادی از آن یاد می‌شود. دوره‌ای که از اوایل دوران ناصری، به جهت اصلاحات اساسی در اوضاع اقتصادی و آموزشی آغاز می‌شود و تا برآمدن رضاخان و چرخش سلسله قاجار به پهلوی ادامه می‌یابد، دوره‌ای که به آشفستگی‌های حاصل

از جنگ جهانی اول منتهی می‌شود. آنچه مهم است تغییراتی است که با صعود و افول جریان‌ها در وضعیت زندگی‌های ایرانی و سفره‌های خانوادگی ایشان رخ می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

تعریف مفاهیم

برای شناختن اوضاع اقتصادی و اجتماعی دوره قاجار توجه به چند مفهوم شناخته شده اجتماعی و اقتصادی لازم و ضروری است. مفاهیمی که خود هر کدام برآمده از نظریه‌های کلان‌تر اقتصادی و اجتماعی است، اما به جهت شناخته شده بودن نظریات و برای حذف تکرارهای نظری، تنها به تعاریفی از آن مفاهیم که مدنظر این پژوهش بوده، اکتفا شده است.

سبک زندگی

معانی متعدد و متنوعی از سبک زندگی نزد اندیشمندان مختلف وجود دارد. بر اساس تعریفی از جان کلی^۱ سبک زندگی ناظر بر دو چیز است: مردم چه انجام می‌دهند و مردم چگونه انجام می‌دهند. این دو پرسش را می‌توان در عرصه‌های مختلف زندگی دنبال کرد. بریانوف^۲ یک نمونه تقسیم‌بندی عرصه‌های مختلف زندگی را ارائه کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی وی فعالیت کاری، فعالیت سیاسی و عمومی (مشارکت در نظام مدیریت اجتماعی به دلخواه و داوطلبانه)، فعالیت فرهنگی (مرتبط با معنی و تولید آگاهی) و ارتباطی (فعالیت غیرحرفه‌ای فرهنگی)، زندگی روزمره و فعالیت بازتولید زندگی (حفظ و بازتولید نیروهای حیاتی) چهار عرصه زندگی را تشکیل می‌دهند. مجموعه گزینش‌هایی که مردم در هر یک از این عرصه‌ها انجام می‌دهند - به شرط داشتن ویژگی‌هایی - می‌تواند سبک زندگی لحاظ شود (فاضلی، ۱۳۸۲).

یکی دیگر از این معانی توسط وبر^۳ ارائه شده و سبک زندگی را در کنار مفهوم منزلت و گروه‌های منزلتی قرار می‌دهد. از نظر وی افتخار منزلت به طور معمول در سبک زندگی خاصی که از همه کسانی که دوست دارند در این حلقه منزلتی عضو باشند، انتظار می‌رود (فاضلی، ۱۳۸۲). او بر این باور است که سبک زندگی بیش از اینکه بر الگوهای تولید استوار باشد، بر شباهت‌های الگوی مصرف استوار است.

در تعاریفی که از سبک زندگی وجود دارد، دو رویکرد معمول است. در یک رویکرد تنها سبک

1. John Kelly
2. Bryanof Nicholas
3. Weber Max

زندگی به رفتارهای افراد اشاره دارد و هنجارها و ارزش‌های ایشان از این دایره بیرون است و در رویکرد دوم ارزش‌ها و نگرش‌ها جزئی از این گردونه هستند. این تقسیم‌بندی به نوعی ماهیت رشته‌ای نیز دارد، بدین ترتیب که رویکرد اول در جامعه‌شناسی و مطالعه‌های فراغت غالب بوده، اما رویکرد دوم که وجه روان‌شناختی آن بیشتر است، در روان‌شناسی و همچنین سنت مطالعه‌های بازاریابی بارز بوده است.

لیزر^۱ در سال ۱۹۳۶ تعریفی از سبک زندگی بر اساس الگوی مصرف ارائه داده است. از نظر وی سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی است. شیوه‌ای که بدان طریق مصرف‌کننده خرید می‌کند و کالاهای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌کننده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (فاضلی، ۱۳۸۲). در این تعریف سبک زندگی امری قابل مشاهده است. الگوی مصرف قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص برای سبک زندگی است. به علاوه الگوی مصرف قادر است بیشترین ارتباط را میان فرد و موقعیت اجتماعی وی برقرار سازد.

بر اساس تعاریف ارائه شده شاخص‌هایی نیز برای سبک زندگی در نظر گرفته شده است. به‌عنوان مثال آنتونی گیدنز^۲ معتقد است: «سبک‌های زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن جلوه می‌کند، اما وی یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب‌کننده هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند» (Cockerham & Rutten, 1997, 321). به‌عنوان جامعه‌شناس، رونی^۳ شیوه‌های زندگی کردن، اندیشیدن، ارزیابی کردن، احساس کردن و قضاوت کردن را جزئی از سبک زندگی می‌داند (فاضلی، ۱۳۸۲).

در نهایت سبک زندگی زاینده انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاری‌شان است. محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قایل می‌شود. البته سبک‌های زندگی می‌تواند تشخیص‌پذیر یا به طور اساسی به قصد ایجاد تشخص، سازمان داده شوند. برخی از شاخص‌های پراکنده سبک زندگی که توسط محققان مختلف بدان‌ها اشاره شد و حتی الگوی مصرف ایشان را نیز دربرمی‌گیرد، علاوه بر مصارف فرهنگی و اوقات فراغت عبارت است از: مدیریت بدن (عادت لباس پوشیدن، آرایش موی سر و استفاده از پیرایه‌ها، مدیریت بهداشت و سلامت بدن)، الگوی خرید (شیوه خرید کردن و نوع کالایی که خرید می‌شود)، نام‌گذاری کودکان، رفتار خانوادگی (نوع

1. Liser
2. Anthony Giddens
3. Ruiz Miguel

اشکال خانواده و نوع تقسیم کار در خانه و...، الگوی مصرف غذا (نوع غذا، تشریفات خوردن آن، فرآیند خوردن غذا و...)، شیوه آرایش منزل و یا مسافرت‌های متعدد، مصرف و عادت به مشروبات الکلی، سیگار و یا مواد مخدر و... (فاضلی، ۱۳۸۲).

الگوی مصرفی خانوار

الگوی مصرف عبارت است از: رفتار افراد، خانوارها یا کل جامعه در انتخاب، خرید و مصرف کالاها و خدمات. عوامل متعددی بر الگوی مصرفی افراد و خانوارها دخیل هستند که آن‌ها را می‌توان از دو بعد تقاضا (فردی و جمعی) و عرضه مورد بررسی قرار داد.

از بعد تقاضا، رفتار مصرفی افراد متأثر از رجحان‌ها، سلیق، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌هاست. هر فرد یا خانوار با توجه به محدودیت‌های درآمدی و قیمت‌های نسبی، شرایط اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و شرایط اجتماعی سبد مصرفی خود را انتخاب و اقلام مورد نیاز خود را خریداری می‌کند. لازم به توضیح است که به تعداد افراد جامعه، می‌توان الگوی مصرف فردی یافت و هر فرد با توجه به ترجیحات و محدودیت‌های خود سعی می‌کند ترکیبی از کالاها و خدماتی را مصرف کند که مطلوبیت و رفاهش را حداکثر سازد، بنابراین از دیدگاه فردی، الگوی مصرف هر فرد بهترین الگوی مصرف ممکن است. منتهی در بعد کلان این امر ممکن است متناقض با سیاست‌های دولت، توان اقتصادی و اولویت‌های کشور باشد که لزوم بازنگری و اصلاح الگوی مصرف را ایجاب می‌کند.

از بعد عرضه نیز عوامل مختلفی نظیر سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع نوپا (نظیر صنایع خودروسازی) و همچنین تثبیت شرایط زندگی گروه‌های کم درآمد (از طریق اعطای یارانه) به دلیل تأثیری که بر قیمت‌های نسبی داشته است، بر ترکیب سبد مصرفی خانوارها تأثیرگذارند. همچنین سیاست‌های تجارت خارجی در دوره‌های مختلف که واردات یا صادرات بعضی از کالاها را مجاز و یا محدود کرده است، بر دسترسی و مصرف کالاها و خدمات مختلف می‌افزاید.

عوامل موثر بر الگوی مصرف

الگوی مصرف، نتیجه و برآیند مجموعه‌ای از عوامل مختلف است و بسته به میزان و شدت تأثیر هر یک از این عوامل، الگوی مصرف می‌تواند متفاوت باشد. در راس این عوامل می‌توان به عوامل اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی اشاره نمود.

۱. عوامل اقتصادی: سطح درآمد، سطح قیمت‌ها، مالیات‌ها، یارانه‌ها، شدت کمیابی منابع مورد استفاده، نوع بازار (انحصاری، رقابتی) و فناوری تولید و مصرف از عوامل اقتصادی به شمار می‌آیند.

۲. عوامل فرهنگی: اعتقادات و باورهای مذهبی از عوامل فرهنگی هستند که به نوعی الگوی مصرف را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۳. عوامل جغرافیایی و طبیعی: شرایط اقلیمی و آب و هوایی یکی از عوامل دیگر در تعیین الگوی مصرف می‌باشند.

۴. عوامل نهادی: مناسبات نهادی، قوانین و مقررات و استانداردهای موجود از عواملی هستند که الگوی مصرف را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بنابراین برای رسیدن به الگوی مصرف بهینه در جامعه، باید همه عوامل مذکور را مد نظر قرار داد و همان طوری که بیان شد آگاهی از الگوی مصرف جامعه، تخصیص معقول منابع و امکانات را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس هرگونه تغییر در هزینه اقلام تشکیل‌دهنده سبد مصرفی خانوار تحت تأثیر الگوی ترجیحات افراد تشکیل‌دهنده خانوار خواهد بود. در فرآیند پویای انتخاب، همواره در هر نقطه از زمان مصرف‌کننده بهترین تصمیم را در انتخاب سهم کالا در سبد مصرفی از بودجه خود اتخاذ می‌نماید، بنابراین الگوی ترجیحات خود را با این انتخاب به نمایش خواهد گذارد. حال اگر الگوی ترجیحات را همان ترکیب سبد مصرفی قرار داد، می‌توان با بررسی تغییر و تحول در الگوی ترجیحات مصرف‌کننده، تحول فرهنگ مصرفی وی را بررسی کرد (دل‌انگیزان، ۱۳۷۶).

مردم در هر جامعه‌ای به تناسب نیازهای خود برخی از محصولات را جزء مایحتاج روزانه خود در نظر می‌گیرند. این محصولات مورد استفاده قرار گرفته با توجه به میزان درآمد افراد درباره آنها هزینه می‌شود، سبد مصرفی خانوار را می‌سازد. نکته مهم درباره این سبد مصرفی آن است که رابطه مستقیمی بین مصرف مردم در جامعه با رفاه اقتصادی آنها وجود دارد. درآمد و بودجه خانوار نیز ابزاری است که توسط آن می‌توان چگونگی شیوه مصرفی افراد و در نتیجه وضعیت رفاه اقتصادی آنها را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد. به عبارت دیگر با استفاده از نتایج مزبور در خصوص بودجه خانوار می‌توان زندگی افراد، جامعه، چگونگی تغییرات آن در طول زمان و تأثیر سیاست‌های مختلف اقتصادی بر رفاه مردم را مورد بررسی قرار داد.

نمی‌توان درباره سبد مصرفی خانوار جزء با مفهوم کشش درآمدی تقاضا سخن گفت. در این خصوص با افزایش درآمد، سهم مخارج خوراکی مصرف‌کنندگان در بودجه کاهش می‌یابد. این نکته‌ای است که توسط ارنست اینگل^۱ و با بررسی آماری بودجه خانوارها به‌دست آمده است. اساس این یافته

که به قانون انگل شهرت دارد، بر این منطق استوار است که کشش درآمدی^۱ تقاضای کالاهای خوراکی در بودجه خانوار به نسبت پایین است و بدین خاطر با افزایش درآمد، مصرف کالاهای خوراکی به نسبت کمتری افزایش می‌یابد. نتیجه آن که هرچه درآمد خانوارها افزایش یابد، سهم مصرف کالاهای خوراکی در بودجه پایین می‌آید، این امر به معنای کاهش واقعی مصرف کالاهای خوراکی نیست، بلکه به معنی آن است که مصرف مواد غذایی هم پای درآمد افزایش نمی‌یابد.

شاید لازم باشد به این نکته اشاره شود که کشش درآمدی تقاضا می‌تواند مثبت (برای کالاهای عادی) یا منفی (برای کالاهای پست) باشد. در اقتصاد کالایی که کشش درآمدی میان صفر و یک در نوسان است را کالای ضروری و کالاهایی که کشش درآمدی بزرگ‌تر از یک دارد، کالاهای لوکس تلقی می‌شوند (تقوی و نخجوانی، ۱۳۷۹).

با اوصافی که از نظریه انگل و رفتار مصرفی کالاها در بودجه خانواده گفته شد، می‌توان انتظار داشت که با بهبود اوضاع اقتصادی خانوارها، سرعت افزایش مصرف کالاهای خوراکی آهسته‌تر شده و مازاد بودجه، صرف کالاهای غیرخوراکی می‌شود. برعکس روند تغییر ساختار مصرف یا اندازه‌گیری کشش درآمدی کالاهای مصرفی می‌تواند شاخصی برای سنجش وضعیت رفاه خانوارها در طی زمان باشد، بدین ترتیب که با کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی سهم کالای خوراکی در بودجه خانوارها و نیز کشش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در دوره مورد بررسی کاهش می‌یابد.

فقر و خط فقر

فقر به صورت‌های مختلف تعریف شده است. البته این تعاریف بر حسب مکان و زمان متفاوت از هم بوده‌اند و بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است، ولی اکثر این محققان و مفسران در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند. Townsend (1985) در مطالعه‌های خود در خصوص فقر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعریفی از فقر ارائه داد که با توجه به دیدگاه وی و یافته‌هایش بسیار مهم بود و به طور گسترده‌ای از آن استفاده شد. وی در صفحه ۳۱ کتاب خود فقر را این گونه تعریف نمود: «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند».

از دیدگاه بانک توسعه آسیا، فقر عبارت است از محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی که هر فرد مستحق آنها است. بوت و راونتری^۲ دو نفر از پیشگامان مطالعه‌های فقر در کشور انگلستان در اواخر قرن

1. Income Elasticity of Demand
2. Booth & Rowntree

نوزدهم، سعی کردند که تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قایل شوند. فقر مطلق، موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش شکل گرفته است، می‌باشد و منظور از آن حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به این ترتیب فقر مطلق به‌عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد، توان لازم برای ادامه زندگی نخواهد داشت. در مقابل فقر مطلق، موضوع نسبی است که در آن داورها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است، فقر تنها ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست، بنابراین فقر می‌تواند ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه است. در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (غروی‌نخجوانی، ۱۳۸۴).

به عقیده راولیون^۱ (۱۹۹۸) خط فقر عبارت است از مخارجی که فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند، غیرفقیر هستند. برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقیرها و تمیز آنها از غیرفقیرها به یک آستانه یا ملاک به نام خط فقر نیاز است. این آستانه چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ این آستانه را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ارائه حیات تعریف نمود، اما ادامه حیات خود به‌طور کامل روشن نیست. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود. بعضی از محققین حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند (غروی‌نخجوانی، ۱۳۸۴).

بعد از تعریف مفاهیم بالا می‌توان درباره سبک‌های زندگی، الگوی مصرف و میزان فقر ایرانیان در دوره مشروطه سخن گفت. نکته جالب توجه اینجاست که مفهوم سبک زندگی مفهومی جامعه‌شناختی و مفهوم الگوی مصرف و کشش تقاضا مفهومی اقتصادی است که هر دو در این پژوهش مورد توجه قرار خواهند گرفت.

سبک‌های زندگی

برای شناختن وضعیت اقتصادی خانوار چند عامل را باید مورد ملاحظه قرار داد. اولین و مهم‌ترین

آنها تعلق خانواده به پایگاه اقتصادی و اجتماعی خاص و شناخت آن است. اینکه فرد مزبور چه شغلی دارد و چه میزان کار می‌کند، می‌تواند تا حدودی این ماجرا را توضیح دهد. به لحاظ درآمدی چند گروه در ایران آن دوران وجود داشته است. در دوره مشروطه گروه‌های مختلفی را به لحاظ منزلتی و طبقه‌ای می‌توان مورد مذاکره قرار داد. یک گروه روستاییان بوده‌اند که چندان مورد مطالعه این پژوهش نیستند، اما طبیعتاً گروه خلاق و مستقلاً بودند که به واسطه تولیدات درون خانوادگی، کمتر نیاز به مصارف بیرونی داشتند. محصولات مربوط به زراعت و دامداری مایحتاج خوراکی ایشان را تامین و البسه را از قماش‌های محلی و یا پارچه‌های ارزان خارجی تهیه می‌کردند. اغلب سواد نداشته و نباید انتظار داشت اقلام فرهنگی در سبد مصرفی ایشان وجود داشته باشد. مهم‌ترین نیازهای ایشان مواد خوراکی، پوشاک، توتون و تنباکو و حداقل نیاز برای وسایل ساده و به دور از تجمل زندگی است. هر چند که این استقلال روستا از شهر با ورود برخی کالاهای ارزان‌تر خارجی دیر نمی‌باید و با نیاز روستاییان به قماش و کالاهای خارجی اوضاع اقتصادی ایشان آشفته می‌شود.

زندگی در شهر متفاوت از روستاست. از تهیه خانه گرفته تا وسایل آن هزینه خاص خود را دارد. ایرانیان به خانه و زمین علاقه بسیار داشتند. هر گونه گشایشی در اوضاع مالی، آنها را به سمت خریداری زمین مسکونی و یا کشاورزی سوق می‌داد. انتخاب نوع زمین متکی به طبقه درآمدی آنها بود؛ اما در اغلب طبقه‌های درآمدی، فردی که ازدواج می‌کرد زمینی را در قباله ازدواج به نام همسرش می‌کرد. ارزش زمین حتی در این مهریه‌دادن‌ها، هبه‌ها و پیش‌کشی‌ها خود را نشان می‌داد. از طرف دیگر خانه و یا زمین مطمئن‌ترین وسیله برای وثیقه گذاشتن نزد ایرانیان بود. رسم رایجی که برای گرفتن قرض یا وام از آن استفاده می‌شد (دوروشوار، ۱۳۷۸).

اجاره‌نشینی سنت مرسوم می‌میان ایرانیان نبوده است. قیمت‌های بالای اجاره باعث شده بود که مردم شهری به خانه‌ای هر چند کوچک، اما متعلق به خویش رضا دهند. ایشان به محض اینکه امکان مالی برایشان پیش می‌آمد، مبادرت به بزرگ کردن و تعویض اسباب و اثاثیه منزل می‌نمودند.

«... رسم چنین است که به استثنای پایین‌ترین طبقات در هر خانه، هر قدر هم که بزرگ باشد، فقط یک خانوار زندگی کند. هر کس طالب آن است که از خود خانه‌ای شخصی داشته باشد، فقط غریبه‌ها هستند که گاهی خانه‌ای را اجاره می‌کنند. میزان اجاره در پایتخت اندک نیست و در اوضاع و احوال مختلف سالانه بین ۲۰۰ تا ۳۶۵ تومان برآورد می‌شود. حال هرگاه سالیان متمدای در خانه‌ای نشست، بیرون راندنش مشکل است، حتی اگر مال‌الاجاره را نپرداخته باشد. به همین دلیل موجد از تنظیم قرارداد اجاره به مدت طولانی پرهیز می‌کند. ... هیچ خانه‌ای در تهران پیدا نمی‌شود که حیاط

نداشته باشد و هیچ حیاطی پیدا نمی‌شود که در آن باغچه‌ای و درختان بوته‌ای مانند نباشد. مردم ممتول و محتشم سوای این باغچه، باغ نسبتاً وسیع‌تری در داخل شهر دارند...» (پولاک، ۱۳۶۱، ۶۸). این نیاز شهری‌ها تنها به خانه منحصر نمی‌باشد. به خصوص اینکه در این دوران با وجود حضور خارجیان در کشور و وسعت یافتن کالا خارجی اعم از البسه و وسایل منزل پای اجناس وارداتی و تجملی به خانه برخی باز شد. آمد و شد در خانه‌های غربی‌ها و نیز حراجی‌های گسترده‌ای که در هنگام مراجعت ایشان از ایران برای وسایل منزل‌شان برگزار می‌شد، پای میز، تخت و وسایل زینتی دیگر را به خانه‌های ایرانی باز کرد و شکل این خانه‌ها را از حالت سنتی خود خارج کرد. این قبیل وسایل مورد استفاده طبقه بالا بود که مشکلی برای هزینه کردن پول‌شان نداشته و از دیگر سو توانایی استفاده از پول خود را در دیگر مصارف نیز نداشته‌اند؛ اما نباید از نظر دور داشت که استفاده از وسایل مصرفی و تجملی در هر سطحی با توجه به شرایط اقتصادی که داشتند، دیده می‌شد و علاقه به استفاده از وسایل زینتی و تجملی علاقه‌ای عام در میان ایرانیان بود.

علاقه ایرانیان به تزئین و زیبا کردن تا بدانجا بود که اغلب ایرانیان دارای وسایل و ظروفی بودند که هیچگاه مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و فقط کارکرد تزئینی داشت. اعتمادالسلطنه (بی‌تاریخ) در المآثر و الآثار می‌نویسد:

«... امروز هیچ خانه‌ای از اغنیا و متوسطین ایرانیان نیست، مگر اینکه البته به مقداری از اسباب زینت ما بین افراط و اقتصاد آراسته شده است، از قبیل فنادیل بلورین و مسرجه‌های زجاجی و آبگین‌های سنگی و ادانی مستطرف و پرده‌های مطرز و ممتاز و اصناف صندلی‌های مخصوص و مخدات مستحدث و امثال ذلک و ارباب ثروت در داشتن مبل همی با هم تفاضل می‌کنند و تفاخر می‌نمایند...».

«... وسایل خانه مردم به جز فرش و نمد و مخدعه... چراغ‌های با پی‌سوز که نور لرزان و ضعیفی دارد. از مدتی به بعد شمعدان‌های بزرگ به شکل استوانه مرسوم شد. بعد فانوس‌ها ساخته شدند. چخماخ‌هایی که با سلیقه حکاکی شده‌اند، برای برافروختن آتش وجود داشته است. دیگر وسیله آفتابه است. هم برای گرم کردن آب مانند سماور، هم دست شستن و هم طهارت...» (رنه‌دالمانی، ۱۳۳۵، ۳۴۰).

در طبقات بالا به جز خرید وسایل زینتی، خرید انواع جواهرآلات و شمش از جمله رسوم ایرانیان بوده است. نگهداری سرمایه و پول، به شکل طلا و یا زمین بوده و چنان که گفته شد در کابین زنان ایرانی همیشه زمین یا طلا دیده شده است.

«... غالباً سرمایه‌ها تبدیل به طلا و جواهر شده و در جایی از خانه که جز صاحب آن کسی آنجا را نمی‌شناسد، در زیر خاک پنهان می‌گردد و سال‌ها محو می‌شود که پس از مرگ صاحبخانه در

همان محل می‌ماند و وراثت هم به آن دسترسی پیدا نمی‌کنند. اگر احیاناً افراد سودپرستی مقداری از سرمایه خود را به دیگری وام دهند، این وام باید در مقابل وثیقه عمده‌ای داده شود و سود آن به اندازه صد بیست یا اقل صد پانزده باشد. اشخاص عاقلی که نمی‌خواهند سرمایه خود را به خطر بیاندازند آن را صرف خرید جواهر و پارچه‌های زرانود و اشیاء گران‌بهای دیگر نموده، در اندرون خانه خود مخفی می‌کنند و گاهی در تنهایی به تماشای آنها پرداخته و خوش‌وقت می‌گردند. عشق به تجملات و استعمال جواهر در تمام طبقات اجتماعی ایران حتی در دهکده‌ها نیز محسوس است. زرگران و جواهرفروشان به خانه‌های توان‌گران رفته و محرمانه با آنها چیزهایی می‌فروشد و از این معاملات محرمانه سود زیادی می‌برند...» (رنه‌دالمانی، ۱۳۳۵، ۱۱۶).

هرچه طبقات درآمدی به سطح پایین‌تر می‌رفت، سبد مصرفی کوچک‌تر شده و لوازم ضروری را دربرمی‌گرفت. از جمله لوازم ضروری خوراک و پوشاک است. لباس اغلب توسط زنان در منزل و یا به خیاط خانگی سپرده می‌شد. طبقات پایین‌تر بیش از دیگران از چیت‌فرنگی که قیمت نازلی داشته، استفاده می‌کردند و طبقات بالاتر همچنان پارچه‌های ترمه و زردوز ایرانی را تبدیل به لباس و شال می‌کردند.

درباره خوراک که مهم‌ترین قلم مورد مصرف در بین خانواده‌های با سطح درآمدی پایین بوده، تنوع و تکثری دیده می‌شود. در اغلب دوره‌های پیش از مشروطه قیمت مایحتاج عمومی برای خوردن بالا نبوده است. جز دوره‌های قحطی و دوره‌های منجر به جنگ جهانی اول که اقلام مورد نیاز شیب قیمتی تندی را طی می‌کردند، در مابقی زمان‌ها فقرا و طبقات نیازمند امکان خرید مواد خوراکی لازم را داشتند، بنابراین فقیر گشنه به معنایی که در غرب آن زمان دیده می‌شده، وجود نداشته است.

در زمان‌هایی که ایران درگیر مشکل نان و قحطی نیست و همه چیز روال طبیعی خود را دارد، ایرانیان غذای میانی را ساده می‌خورند و شام‌شان مفصل بود. ناهار اغلب نان و پنیر و یکی از میوه‌هایی بود که در ایران به وفور و تنوع یافت می‌شد. این ناهار برای تابستان و بعضاً آش و آبگوشت غذای ظهرهای زمستان بود، اما برای شام اغلب برنج با خورش یا افشره و ترشی مورد استفاده قرار می‌گرفت (مستوفی، ۱۳۲۴). انواع کباب و خورش به سبک و سیاق ایرانی پخته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در طبقات پایین‌تر به جای برنج، نان مصرف بیشتری دارد. نان بیشترین مایحتاج سفره‌های ایرانی بود تا زمانی که قحطی بزرگ سال ۱۸۷۲ به وقوع پیوست و غله بسیار نایاب شد. رو آوردن ایرانیان به محصول برنج در این زمان اتفاق افتاد و به‌عنوان اصلی‌ترین غذای ایرانی ماندگار شد.

«... در ایران انواع، اقسام اغذیه تهیه می‌شود و هر یک از اهالی به یکی از آن اکتفا نموده و امر

گذران خود را می‌گذرانند. مثلاً فقرا و مسکینان در هر هفته یک مرتبه چند سیر گوشت ایتیان نموده و آن را با نان می‌خورند، اهالی دهات و سایر طوایف صحراگرد به جز در اوقات عروسی ندرتاً در سر شام و یا نهار آنها قطعه گوشتی حاضر می‌شود و غذاهای معمول عملجات عموماً در فصل تابستان عبارت از نان و میوه‌جات و در زمستان منحصر به نان و پنیر است و گاهی می‌توانند نان و پنیر را مبدل به آش و یا فواکه خشک و تخم مرغ نمایند...» (ویلس، ۱۳۶۳، ۲۱۹)

مصرف در جامعه ایرانی دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. این مصرف خرج خوراک و پوشاک که پیشتر گفته شد تا وسایل زینتی تا هر وسیله دیگر می‌شد. چرایی آن هم به اوضاع اقتصادی و امنیت آن دوران بازمی‌گردد. در جامعه‌ای که حتی محل مناسبی برای پس‌انداز کردن پول - چه برسد به استفاده - وجود ندارد، یکی از بهترین روش‌ها خرج کردن آن در راه همین موارد دم‌دستی است. این چنین بود که به سرعت و شدت پای انواع وسایل و مواد غیرضروری به خانه‌های ایرانی باز شد. داشتن تقاضا برای این وسایل دلیلی شد که عرضه‌کنندگان به فکر ایجاد راه‌هایی برای ارتباط با مصرف‌کنندگان بیافتند. پای اعلان‌ها و آگاهی‌های امور مصرفی به روزنامه‌ها کشیده شد و روزنامه ایران نو (۱۲۸۸ ش.) - ارگان مطبوعاتی دموکرات‌ها بعد از مشروطه - یکی از روزنامه‌هایی بود که حجم بالای آگهی را منتشر می‌کرد. اغلب این آگهی‌ها متعلق به دوره پس از مشروطه و مواجهه بیش از پیش افراد با زندگی مدرن غربی بود. آگهی‌ها از اعلان فروش زمین و وسایل خانه، تا آگهی معلم خصوصی و پزشک و نیز آگهی چاپ و انتشار کتاب را شامل می‌شد. برخی عناوین کلی این اعلان‌ها که در سال اول این روزنامه از شماره ۵۹ تا ۱۶۶ درج شده به شرح زیر است:

- درشکه نو و کار نکرده مال ویکتوریا در خیابان لاله‌زار؛
- حراجی در تیمچه صدر اعظم: مبل‌های اعلا، اطلس، مخمل، پرده‌های اطلس و مخمل و تابلوهای قدیمی اعلاء، قالی و قالیچه، آیینه‌های قدی و چهل چراغ؛
- زمینی نزدیک پارک اتابک؛
- معلمه که زبان فارسی یا فرانسه و یا روس می‌داند برای تدریس خصوصی. تربیت اطفال و خانه‌داری نیز انجام می‌دهد؛
- قلم‌کاری باهوش برای اداره تندنویسی مجلس شورای اسلامی؛
- خانه مقابل مدارس ارامنه همه قسم اثاث‌البیت ممتاز و اسباب خانه و ملبوس و مظروف و تخت و کارد و چنگال؛

۱. روزنامه ایران نو. (۱۲۸۸). سال اول، شماره ۵۹. مطابق با ۲۲ شوال‌المکرم ۱۳۲۷، ۶ نوامبر ۱۹۰۹، ۲۱ آبان ماه.

- آگهی دکتر که در مدرسه دارالفنون درس خوانده و در پاریس تحصیل را تکمیل کرده و امراض سوزاک و کوفت و کلیه و مثانه و را درمان می‌کند (فقراً عموماً مجاناً معالجه می‌شوند)؛

- چرخ خیاطی کمپانی زینگر؛

- آگهی فروش پیانو؛

- تبلیغات زن طبیبه با مدرک از مدرسه ژنو.

نمونه‌ای از این اعلان‌ها به‌عنوان مثال به شرح زیر است:

«کمپانیه قفقاز و مرکوری با کمال احترام اعلان می‌دارد که بارهای نطلبیده ذیل روز سه‌شنبه در ساعت ۱۶ بعدازظهر در انبار اداره واقع در خیابان ناصریه به حراج گذاشته خواهد شد»؛

اقلام: تخت خواب آهنی از بادکوبه، ظروفجات، سگک کفش^۱؛

«اعلان رستوران فرانک: چون یک طرف از عمارت فاروس به اتمام رسیده که یک‌طرف از قسمت سینموگراف ... رستوران مجلل و عالی دایر شده و تاریخ امروز غذاهای خیلی ممتاز حاضر می‌شود. هم شام و هم نهار و همچنین شربت‌آلات و شیرینی‌آلات، چای و قهوه و غیره همه وقت حاضر است. همه روزه از اول صبح الی چهار از شب گذشته از همه قسم خوراکی‌ها موجود است. آبونمان برای شام و نهار به قیمت نازل پذیرفته می‌شود»^۲؛

«حراج: در صحن و سرای امیر از قبیل قالیچه و قالی‌های نو و کهنه اعلاء و وسط از همه جور حراج می‌شود؛

و هم از یکشنبه ۲۶م در سرای حاجب‌الدوله چهار به غروب پشت حجره‌های نو نزدیک به مغازه بلورفروشی مرحوم حاجی سید آقا بزرگ از همه جور فرش، قالی و قالیچه نو و کهنه اعلاء و وسط حراج می‌شود»^۳.

و از جمله آگهی‌هایی که برای انتشار کتب در روزنامه‌ها دیده می‌شد به مورد زیر می‌توان اشاره کرد: «اعلان: در ای ایام خجسته فرجام کتب ذیل در بندر معموره بمبئی بحلیه طبع آراسته گردیده است: طراز‌المذهب مظفری در احوالات حضرت زینب خاتون با حروف سری و کاغذ ممتاز و قطع مرغوب؛ تاج‌الدوله در احوالات امیر افغانستان به زبان سلیس فارسی.

طریق البکاء، بحار‌الانوار، جواهر‌الکلام، حدیقه شیخ یوسف، رسایل شیعه، تهذیب الاحکام، تفسیر

۱. روزنامه ایران نو. (۱۲۸۸). سال اول، شماره ۷۷.

۲. روزنامه ایران نو. (۱۲۸۸). سال اول، شماره ۹۰. مصادف با اول ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۹.

۳. روزنامه ایران نو. (۱۲۸۸). سال اول، شماره ۱۰۶. مصادف با ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ۲۲ دی، ۶ ژانویه ۱۹۰۹.

برهان آقا سیدهاشم، کتاب شفاء، مسافرت‌نامه دوم مظفرالدین شاه، ناسخ‌التواریخ در احوالات امام محمدباقر و حضرت فاطمه، مجالس المومنین، قمقام، اسفار اربعه، روضه‌الانوار، مختارنامه، جوهری، دیوان وصال، عالم‌آرای عباسی، کشف‌الغطاء، خمسه نظامی، تحفه‌المجالس، مجموعه مدام^۱.

چنین آگهی‌هایی به مرور در روزنامه‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. این آگهی‌ها به خوبی نشان می‌دهد که در طبقه متوسط به بالا و تحصیل کرده علایق جدیدی در حال شکل‌گیری بود. علایقی که به مرور در زندگی‌های شهری خود را نشان می‌داد و این علایق جدید سبب مصرفی جدیدی را برای خانواده‌ها به همراه داشت.

در سال‌های منتهی به مشروطه و خصوصاً پس از مشروطه به طور چشم‌گیری تعداد روزنامه‌ها در ایران افزایش یافت. هر چند که این روزنامه‌ها تیراژ بالایی نداشتند، اما همیشه محل‌های عمومی وجود داشت که روزنامه‌ها و مقاله‌های مهم‌شان برای دیگرانی که سواد نداشتند، خوانده می‌شد. با توجه به تعداد بالای روزنامه‌ها، در حوالی دوران مشروطه، روزنامه در سبب مصرفی خانواده‌های متوسط به بالای صاحب سواد قرار گرفت. برخی از کتب، تعداد روزنامه‌هایی که در دوران مشروطه به چاپ رسیده بود را بیش از ۲۱۲ عنوان ذکر کرده بودند (ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۴). در سال‌های بعد از مشروطه و بعد از استبداد صغیر تقاضا برای روزنامه همچنان بالا بود.

«هرگاه آزادی بیشتری وجود داشت، تعداد تقاضا نیز بیشتر بود. بین سال‌های ۱۲۸۶/۱۳۲۴ الی کودتای ۱۲۹۹/۹-۱۳۳۸ میانگین تقاضای روزنامه در سال ۱/۷ است، ولی از سال ۱۳۰۰ شمسی الی پایان سلطنت قاجار در سال ۱۳۰۵ که اوج آزادی است، میانگین تقاضا ۲۰ است. موضوع فعالیت و مرام این روزنامه‌ها را بدین ترتیب می‌توان تفکیک کرد: ادبی ۶۸، سیاسی ۶۳، اخلاقی ۴۴، علمی ۴۱، اجتماعی ۳۴، اقتصادی ۲۶، تاریخی ۱۳، مذهبی ۱» (اتحادیه، ۱۳۷۵).

در واقع به گواهی تاریخ و سیاحان غربی تا زمانی که توازن صادرات و واردات به هم نریخته، هر چند اختلاف طبقاتی بین مردم ایران دیده می‌شود، اما سطح درآمد طبقات پایین به طور عمومی بالاتر از حد فقر مطلق بوده است. یکی از نکاتی که مسافرین اروپایی را در ایران قرین حیرت می‌نماید، این است که در این کشور بین طبقه فقیر و غنی کینه و عداوت وجود ندارد. علل آن این است که:

«... اولاً در ایران عموماً طبقه اغنیا نسبت به طبقه فقرا و اشخاص بی‌بضاعت به نظر تحقیر و تنفر نمی‌نگرد، بلکه طبقه بی‌بضاعت را اشخاص مستوجب ترحم می‌داند و معتقدند که چون خدا این شخص را فقیر کرده، تقدیر خداوندی چنین اقتضا نموده که وی بی‌چیز باشد و نباید قلبش را شکست

۱. روزنامه حبل‌المتین. (۱۲۸۳). سال ۲۳، شماره ۳۱، مصادف با ۸ رجب ۱۳۲۲، ۱۹۰۴.

و به او به دیده تحقیر نگریست. ارفاق اغنیا نسبت به فقرا از تعالیم دین اسلام است، به همین دلیل هر ثروتمندی در زمان حیات یک قسمت از اموال خود را وقف مصارف نیازمندان می‌کند و برای امور خیریه ابنیه و عمارت می‌سازد و در ایران کمتر ثروتمندی پیدا می‌کنید که در سال یک قسمت از اموال خود را برای رفع حاجت نیازمندان مصرف نمایند. علت دیگری این است که بر اثر نبودن انواع مالیات‌ها و عوارض شهری بهای زندگی در این کشور خیلی ارزان است، هر قدر هم که فقرای ایرانی نیازمند باشند، به واسطه ارزانی بهای انواع کالاهای مورد احتیاج می‌توانند زندگی کنند و معاش خود را فراهم آورند...» (گوبینو، ۱۳۸۵، ۴۳).

سبد درآمدی خانوار

هر خانواده‌ای روزانه و یا ماهانه مایحتاج عمده‌ای دارد که در سبد مصرفی وی قرار می‌گیرد. این مایحتاج از خوراک و پوشاک گرفته تا هزینه مسکن، بهداشت و تفریح (مثل سفر) را دربرمی‌گیرد. در کنار این مواد هر گونه مواد فرهنگی که در بین کالاهای مصرف شده خانوار استفاده می‌شود نیز وجود دارد.

ناشناخته بودن سبک زندگی و نحوه گذران امور توسط افراد باعث شده است که چندان اطلاعی از این موضوع وجود نداشته باشد که فرد ایرانی دقیقاً چه کالاهایی را در سبد مصرفی خود داشته است. حتی در صورت دانستن عناوین آنها، میزان و قیمت آن کالاها برای به‌دست آوردن سبد درآمدی امکان‌پذیر نیست. آنچه موجود است تنها اشاره‌های پراکنده‌ای است که در کتب مختلف درباره نیازها و مصارف ایشان به دست آمده است. آنچه در بالا آمد تا حدودی به برخی از نیازهای ایرانی بر اساس سبک زندگی اشاره داشت، اما در میان مصارف ذکر شده برخی از کالاها بیشترین حجم از سبد کالاهای مصرفی را تشکیل می‌دهند. کالاهایی که باید در سبد مصرفی حضور دایمی داشته باشند و در حال نو شدن هستند و کالاهایی که به خوراک، سوخت و مواردی از این دست بازمی‌گردد، در زمره این کالاها قرار دارند. به لحاظ کشش درآمدی تقاضا به این کالاها، کالاهای ضروری گفته می‌شود. به شکل پراکنده در آثار و کتب متفاوت می‌توان به قیمت‌های اقلام عمومی مهم دست یافت. از جمله در «گنج شایگان» جمال‌زاده (۱۳۳۵) در صفحه ۲۲۵، به ذکر قیمت برخی اقلام مورد نیاز در سه سال مختلف می‌پردازد:

«... قیمت برخی از اقلام در ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۳۳ عبارت بود از: گندم حد وسط خرواری ۱۳۵

قران، جو خرواری ۸۱ قران، کاه خرواری ۱۳ قران، یونجه خرواری ۴۰ و ۵۰ قران، برنج خرواری ۲۳۰ قران، روغن من ری ۶۴/۲۵۰ قران، نفت من ری ۹ قران، قند دو من ۱۹/۶۵ قران، چای گیروانکه ۹/۲۰۰ قران، زغال خرواری ۸۰ قران، نخود خرواری ۳۵۰ قران، هیزم خرواری ۳۲ قران، لوبیا خرواری ۱۵۰ قران، ماش خرواری ۸۱ قران، عدس خرواری ۱۵۸ قران، لپه خرواری ۳۵۰ قران، کشمش خرواری ۱۲۳ قران ...».

و یا عین السلطنه (۱۳۷۴) در صفحه ۱۳۵۳ در روزنامه خاطراتش به شکل پراکنده قیمت برخی اقلام مورد استفاده مردم آن زمان را ذکر کرده است:

«... جو و کاه و هیزم و روغن خیلی بالا رفته بود. امروز شنیدم حکم کرده است کاه را در بیست و پنج هزار، جو را نه تومان، هیزم را هم بیست و پنج هزار و روغن را من تبریز یک تومان بفروشند. ... نان یک من یک هزار است، گوشت یک من چهار هزار، خربوزه سه من چهار من یک هزار، انگور یک من ده شاهی، هندوانه یک من دو عباسی، هلو یک من نهصد دینار ...».

برخی از سیاحان نیز در طول سفرشان گزارشی از قیمت اقلامی که می‌خریدند و یا گزارشی از وضعیت زندگی مردم ارایه کرده‌اند:

«... گرانی علی‌رغم اینکه محصول گندم برداشت شده بود، در آن سال بالا بود. فهرستی از قیمت اجناس و میزان مقایسه آن را با قیمت سال قبل -۱۸۸۱- در اینجا ذکر می‌کنیم: یک من نان ده شاهی (سال گذشته نان منی پنج شاهی)، صد من جو چهار تومان (سابقاً پنج قران تا یک تومان)، یک من برنج ۱۸ تا ۲۰ شاهی (پیش از این ده شاهی بود)، یک من عدس ده شاهی، یک من نخود ده شاهی، یک هشتم من چای ۵ تا ۷ قران، یک من شکر ۵ تا ۷ قران، یک من نمک ۲ تا ۳ شاهی، صد من کاه یک تومان (سابقاً پنج قران بود)، اسب هر راس ۷ تا ۱۲ تومان، گاو برای کار کردن در مزارع هر راس ۵ تا ۷ تومان، گاو برای کشتار ۳ تومان، گوساله هر راس ۵ تا ۶ قران، گوسفند هر راس ۴ قران، بره هر راس یک قران، یک من گوشت شتر ۲۴ شاهی (سابقاً ۱۸ شاهی)، مرغ دانه‌ای ۱۴ شاهی (سابقاً ۷ تا ۸ شاهی)، یک من کره چهار قران و ده شاهی، سه عدد تخم مرغ یک شاهی، یک من تنباکو ۲/۵ تا ۷ قران، توتون مرغوب و عالی یک من ۴ تا ۸ قران، توتون متوسط یک کیلو ۳ تا ۴ قران، زغال چوب هر چهار من ۱۸ شاهی، چوب هر صد من ۱۳ قران، شمع‌های آستارین ۷ بسته - هر بسته ۴ عدد- ۹ تا ۱۰ قران ...» (بروگش، ۱۳۸۹، ۲۲۹)

بر مبنای منابع فوق و برخی منابع دیگر جدولی از قیمت اقلام مصرفی تهیه شده است. ارقامی که در جدول زیر آمده کاملاً پراکنده بوده‌اند و بعضاً هر خانه‌ای از جدول دارای منبع مختص به خودش

- است. لازم به ذکر است که پیش از مطالعه جدول، توجه به موارد زیر لازم و ضروری است.
- مقیاس به کار رفته برای ارقام کیلوگرم و مقیاس به کار رفته برای قیمت‌ها قران است. در واقع اعداد جدول قیمت یک کیلوگرم از محصول را به قران نشان می‌دهد؛
 - یک قران ده شاهی و هزار دینار احتساب شده هر چند که در بعضی از دوره‌ها این برابری تغییر کرده است؛
 - اعدادی که به شکل اعشار هستند، حاصل تقسیمی است که قیمت واحد را نشان دهد. طبیعتاً با تبدیل به شاهی و یا دینار اعشار از بین می‌رود؛
 - مقیاس اوزان در هر بخشی از کشور متفاوت بوده است. برای برابری این مقیاس‌ها تلاش شده کنکاش شود که هر نویسنده بیشتر کدام مقیاس را به کار برده است. درباره من و خروار که بیشترین استفاده از آنها شده سه عدد برابری متفاوت به کیلوگرم وجود دارد (جمال‌زاده، ۱۳۳۵). بعد از تغییر مقیاس‌ها از طریق مطابقت دادن تلاش در اصلاح جدول شده است؛
 - تفاوت گزارش‌دهندگان و گاهی تفاوت شهرها باعث می‌شود که معیارهای مقایسه چندان دقیق نباشد، اما اگر هدف به دست دادن حدود قیمت‌ها و تغییراتی که در این سال‌ها در مایحتاج عمومی مردم ایجاد شده باشد، می‌توان از این جدول استفاده خوبی نمود؛
 - منابع هر ستون مشخص شده است و در همه ستون‌ها تغییرات مقیاس برای به دست آمدن قابلیت تطبیق به کار برده شده است؛
 - احتمال تفاوت در مرغوبیت کالاهای یاد شده در طول سال‌های مختلف وجود دارد و این اختلاف ممکن است بر روی قیمت‌ها تاثیرگذار باشد؛
 - حجم فروش هر کالا بر روی قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد. در برخی از این داده‌ها ارقام به شکل خرواری، بخشی من و بخشی کیلوگرمی داده شده است، اما آنچه اینجا آمده به جهت امکان مقایسه کیلوگرم است.

جدول ۱: قیمت هر کیلوگرم از اقلام به قران در سال‌های مختلف

اقلام*	۱۸۵۴	۱۸۶۰	۱۸۷۲	۱۸۷۳	۱۸۸۰	۱۸۹۰	۱۸۹۸	۱۹۰۰	۱۹۰۶	۱۹۱۴	۱۹۱۹
نان	۰/۱۷	۰/۱۷	-	-	-۰/۲۵ ۰/۱۷	۰/۳	۰/۵۷	۰/۶۷ ^{۱۲}	۰/۶۶	۰/۶۶	-
برنج	۰/۱۷	-۰/۳۳ ۰/۱۷	-	-	-۰/۳۳	-	-	-۱/۵۷ ۰/۷۹	-۰/۹۳ ۰/۶	۰/۷۶	-۱/۵ ۱/۳۳
گوشت	۰/۱۷	-۰/۳۳	۰/۵۷ ۰/۵۷	-۰/۸۶ ۰/۵۴	-۰/۳۳	۵/۴	۲/۴۶	-۲/۵۴ ۱/۵۷	-۲/۱۷ ۱/۳۵	-	-
روغن	۰/۱۷	۱	-	-	-	-	-۳/۳۳ ۱/۶۶	-	-	۵/۳۳	-۷/۵۷ ۷/۰۸
مرغ - دانه‌ای	-	-۱/۴ ۰/۸	-	-	-	-۱ ۰/۵	-	-	-	-	-
تخم مرغ - دانه‌ای	-	-۰/۳	-	-	-	-۰/۲	-	-	-	-	۰/۱۵
جو	۰/۰۴	-۰/۰۷ ۰/۰۲	-۰/۳۸ ۰/۳۶	-۰/۰۳ ۰/۰۲	-	-	۰/۳	-۰/۵۹ ۰/۳	۰/۵۹	۰/۵	-۰/۶۱ ۰/۵۷
گندم	۰/۰۸	-	-۰/۶۲ ۰/۶۱	-۰/۳۵ ۰/۰۵۲	-	-	-۱ ۰/۵	-۱/۰۲ ۰/۴۶	-۱/۰۲ ۰/۶۳	۰/۴۵	-۰/۸۷ ۰/۵
کاه	۰/۰۲	-۰/۳	-	-	-	-	۰/۰۸	-	۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۸ ۰/۰۵
قند	-	-	-	-	۲	-	-	-	-	۱/۶۷	-۲/۵ ۲/۰۸
ذغال	۰/۰۵	-۰/۱۷	-	-	-۰/۱۷	-	-	-۰/۴۴ ۰/۱۸	-۰/۴ ۰/۳	۰/۲۷	-۰/۴۲
هیزم	۰/۰۲ ۷	-	-	-	-۰/۰۵	-	-۰/۲۳ ۰/۰۶	-۰/۰۶	-	۰/۱۱	-۰/۱۴
کره	-	-۱/۶۷ ۰/۶۷	-۲/۱۸ ۱/۸۲	-۱/۳ ۱/۱	-	-	-	-	-	-	-

ادامه جدول ۱: قیمت هر کیلوگرم از اقلام به قران در سال‌های مختلف

اقلام*	۱۸۵۴	۱۸۶۰	۱۸۷۲	۱۸۷۳	۱۸۸۰	۱۸۹۰	۱۸۹۸	۱۹۰۰	۱۹۰۶	۱۹۱۴	۱۹۱۹
سیب زمینی	-	۰/۳۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-۰/۲۷

* اقلام مربوط به سال‌های مختلف از منابع متفاوتی به شرح زیر استخراج شده‌اند:

سال ۱۸۵۴: جمال‌زاده، ۱۳۳۵، صفحه ۱۸۶؛ سال ۱۸۶۰: بروگشن، ۱۳۸۹، صفحه ۲۲۹؛ سال ۱۸۷۲: عیسوی، ۱۳۶۹، صفحات ۵۲۱ و ۵۲۳؛ سال ۱۸۸۰: ویلز، ۱۳۶۸، صفحه ۲۲۵؛ سال ۱۸۹۰: کرزن، ۱۳۶۲، صفحه ۲۳۴؛ سال ۱۸۹۸: عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، صفحه ۱۳۴۲؛ سال ۱۹۰۰: سیف، ۱۳۷۳، صفحه ۲۹۸ و عیسوی، ۱۳۶۹، صفحه ۵۲۱ با اصلاحات؛ سال ۱۹۰۶: راوندی، ۱۳۸۲، صفحه ۴۰۵؛ سال ۱۹۱۴: جمال‌زاده، ۱۳۳۵، صفحه ۱۸۷؛ سال ۱۹۱۹: عیسوی، ۱۳۶۹، صفحه ۵۲۱؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، صفحه ۱۷۵۱.

در جدول ۱ چند نکته وجود دارد که باید بدان توجه نمود:

اختلاف قیمت‌ها در دو سال ۱۸۷۲ و ۱۸۷۳ ناشی از قحطی بزرگی است که در سال ۱۸۷۲ در تهران و شهرهای بزرگ اتفاق افتاد. حجم قحطی به اندازه‌ای بود که جمعیت تهران به شدت کم شد. افزایش قیمت محصولات مورد نیاز مردم به همین دلیل است.

همان‌طور که در جدول ۱ و پیوست‌ها دیده می‌شود، هر قلم از اجناس، شیب یکنواخت صعودی قیمتی داشته‌اند. با حذف سال ۱۸۷۲ این شیب تقریباً صعودی است.

ارزان‌ترین ماده قابل استفاده جو و سپس گندم بوده است. بخش زیادی از خانواده‌های شهری و تقریباً کلیه خانوارهای روستایی نان مصرفی را در خانه طبخ می‌کردند. البته در این صورت باید قیمت سوخت تنور را به قیمت گندم یا جو اضافه کرد.

قیمت نان و برنج در تمام این سال‌ها نسبتاً با هم برابر است. در واقع تمامی خانواده‌ها می‌توانستند به جای استفاده از نان، از برنج نامرغوب‌تر استفاده کنند. لازم به توضیح است که قیمت برنج با توجه به نوع و کیفیت آن بسیار متنوع است. قیمت‌های داده شده قیمت برنج با کیفیت متوسط بوده است.

قیمت گوشت در دوران پیش از مشروطه تقریباً با قیمت نان و برنج برابر بود. به مرور قیمت

۱. به جهت مقایسه بهتر ارقام ارایه شده برای برخی از اقلام مصرفی در شهر مشهد در سالیان مختلف، به ازای هر کیلوگرم به قران می‌توان به پیوست ۲ مراجعه نمود. از آنجایی که جدول موجود در پیوست ۲ کاملاً از یک منبع به‌دست آمده، امکان مقایسه بهتر فراهم آمده است.

گوشت افزایش یافت و به این ترتیب گوشت از سبد مصرفی خانوارهای با سطح پایین درآمدی حذف شد. لازم به توضیح است که قیمت گوشت متوسط قیمت گوشت گاو یا گوساله است. قیمت گوشت گوسفندی که مورد استفاده طبقه‌های بالا و اعیان قرار می‌گرفت، به مراتب بالاتر از قیمت‌های ذکر شده است. گوشت نامرغوب شتر نیز گاهی جایگزین گوشت گاو و گوسفند می‌شد و دارای قیمت‌هایی پایین‌تر بود.

هیزم و ذغال به نسبت میزان استفاده آنها قیمت بالایی داشتند. تنها نکته قابل توجه زمان‌مند بودن استفاده از سوخت است. به جز مصارف پخت و پز، مصرف گرمایشی این اقلام تنها منحصر به زمستان است.

برخی از اقلام مانند کره، قند، چای و یا قهوه و دیگر اقلامی که در این جدول ذکر نشده است، جز آن دسته از اقلام مصرفی هستند که در هنگام خرید با توجه به میزان درآمد در پایین لیست مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع طبقات کم درآمد در صورت داشتن اضافه درآمد از این اقلام استفاده می‌کردند. در غیر این صورت در سفره‌های ایشان کمتر این اقلام وجود داشت.

دوره‌های مختلف، کاهش ارزش مبادلاتی پول ایران به نسبت سایر نقاط را شاهده بوده است. نکته جالب توجه اینجاست که کاهش ارزش پول به دلیل منشا داخلی داشتن تولیدات کشاورزی چندان بر قیمت‌های مواد مصرفی تأثیرگذار نبوده است (این قاعده متعلق به همین دوره تاریخی است)، اما شرایط و ویژگی‌های خاص در هر سال باعث تغییرات بسیار زیاد قیمت‌ها شده است (عیسوی، ۱۳۶۹، ۵۳۱).

به جزء چند مورد از اعداد که از روزنامه‌های آن دوره به دست آمده، بقیه موارد متعلق به سفرنامه‌ها و یا گزارش‌های کنسولی از قیمت اجناس در ایالات مختلف بوده است. باید بدین نکته توجه نمود که گزارش بالاتر از واقع برای برخی از اجناس، به جهت درخواست برای افزایش مستمری‌های کنسولگری‌های مربوطه، دور از انتظار نیست. در برخی از جاهای جدول که روال قیمت‌ها چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، این امر می‌تواند ناشی از تفاوت گزارش گزارشگران مختلف این ارقام باشد. باید توجه داشت که وضعیت راه‌ها و عدم پیدایش بازار ملی امکان هماهنگی و یکسانی قیمت‌ها را در نقاط مختلف ایران حتی در شهرهای بزرگ ایجاد نکرده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی و مزایای نسبی درباره هر محصول، قیمت منحصر به فردی در شهرهای مختلف مشاهده می‌گردد. تنها تهران و تبریز و تا حدودی اصفهان به لحاظ قیمتی دارای شرایط و ارقام مشابهی هستند. به عنوان مثال می‌توان به جدول قیمت برخی از اقلام مصرفی در شهرهای مختلف در سال ۱۹۰۰ میلادی اشاره نمود:

جدول ۲: قیمت برخی از کالاها در شهرهای مختلف در سال ۱۹۰۰ به ازای هر ۵/۱ کیلوگرم به قران*

کالا	تهران	تبریز	رشت	یزد	همدان	اصفهان	شیراز	بوشهر
جو	۳	۲/۵۵	۲/۵	۱/۷۵	۲	۱/۴	۰/۶	۰/۸۵
گندم	۵/۲	۳/۲	۲/۵	۲/۵	۲/۶۵	۱/۹	۱/۷	۱/۴۵
نان	۴	۱/۸	۳/۲	۲/۲	۲/۲۵	۱/۸	۱/۳۵	۲/۶۵
برنج	۸	۱۰/۰۵	۶/۵	۵	۸	۳/۸	۲/۶۵	۳/۵
گوشت	۱۳	۸/۶۵	۹	۸	۸	۶/۵۵	۵/۶۵	۵/۲۵
شکر	۱۱	۱۱/۲	۶/۵	۱۰	۱۰/۵	۱۱/۴	۸/۵۵	۷/۵
چای	-	۴۲/۲	۴۵	۳۰	۲۸	-	۵۳/۴	۴۲
زغال	۲/۲۷	۱/۴	۰/۵	۱۰/۸	۱/۶۵	۲/۱	۲/۶۵	۱/۵
نفت سفید	۵/۷	۵	۱/۶	۶/۵	۵	۵/۹	۶/۴	۵/۸

* هر باتمان ۵/۰۸۸ کیلویی به قران

مأخذ: عیسوی، ۱۳۶۹، ۵۲۱

از این جدول بعضی از نتایج جالب را می‌توان استخراج کرد. قیمت‌های پایتخت بدون هیچ نوع تعجبی عموماً نشانگر بالاترین قیمت‌هاست و به دنبال آن تبریز به‌عنوان دومین مرکز، این حالت را نیز داراست. قسمت‌های جنوبی و نیمه دیگر مملکت که پیشرفت چندانی نداشته‌اند نیز، مبین پایین‌ترین قیمت‌ها هستند. ارزانی نفت سفید و شکر در رشت تقریباً در نتیجه نزدیکی به روسیه، در بوشهر هم در اثر دسترسی به منابع دیگر تولیدی و نرخ بالای ذغال در یزد در اثر خشکی اراضی اطراف آن بوده است.

محاسبه تورم بر اساس الگوی مصرف خوراک

برای به‌دست آوردن تورم، نیاز به بررسی اقلام مصرفی خانوار در طول روز یا ماه است. با توجه به اینکه در لیست قیمت‌هایی که در کتب تاریخی وجود دارد، تنها می‌توان قیمت‌هایی از مواد خوراکی و در بعضی مواقع سوخت را دید؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت کلیه مایحتاج یک خانوار اعم از خوراک، پوشاک و مسکن را محاسبه نمود. اغلب برای به‌دست آوردن هزینه‌های مصرفی از روش تک‌کالایی استفاده می‌شود. به‌عنوان نمونه در گزارشی که لاوت^۱ به‌عنوان گزارش‌کنسولی ولایت استرآباد در سال ۱۸۸۲ ارایه داد^۲، میزان خوراک یک فرد بالغ را بر حسب برنج از قرار زیر محاسبه کرد:

1. Lawet

۲. گزارش کنسولی (تجارت ولایت استرآباد)، ۱۳۷۶

«... کل غذایی که یک آدم بالغ صرف می‌کند، ۱۰ اونس^۱ برنج برای صبحانه، ۲۲ اونس برای ناهار و ۲۲ اونس برای شام است. کل برنج خشک مصرفی روزانه ۲۷ اونس است ...، به علاوه اگر فرض شود که یک خانوار دهقانی شامل ۳ فرد بالغ است، یک مرد و دو زن و یا یک زوج و دو فرزند که دو فرزند را یکی بالغ حساب نمود (سیف، ۱۳۷۳، ۹۷)، در آن صورت با تبدیل واحدها به مقدار مصرفی ۷۵۶ گرم برای یک فرد بالغ و ۲/۲۶۸ کیلوگرم برای سه فرد بالغ در روز می‌توان رسید. میزان برنج مصرفی یک خانوار با سه فرد بالغ در طول یک ماه ۶۸/۰۴ خواهد بود.»

حال با توجه به جدول ۱، نرخ برنج در طول سال‌های موجود محاسبه می‌گردد. سال‌هایی که نرخ برنج اعلام نشده را نیز از روی نسبت برابری نرخ‌های گندم و نان که تا حدودی شیب آن‌ها با برنج مشابهت دارد، می‌توان به دست آورد. بنابراین نتیجه طبق جدول ۳ حاصل خواهد شد:

جدول ۳: محاسبه نرخ تورم سبد مصرف خوراکی خانوار ۴ نفره در طول ماه (بر اساس برنج)

سال میلادی	قیمت یک کیلوگرم برنج به قران	هزینه مصرف یک خانوار در ماه	نرخ تورم (درصد)
۱۸۵۴	۰/۱۷	۱۱/۵۷	-
۱۸۶۰	۰/۲۵	۱۷/۰۱	+۴۷
۱۸۷۲	۱/۹۵	۱۳۲/۶۸	+۶۸۰
۱۸۷۳	۱/۱	۷۴/۸۴۴	-۴۳
۱۸۸۰	۰/۳۳	۲۲/۴۵	-۷۰
۱۸۹۰	۰/۴۵	۳۰/۶۲	+۳۶
۱۸۹۸	۰/۸۵	۵۷/۸۳۴	+۸۹
۱۹۰۰	۱	۶۸/۰۴	+۱۸
۱۹۰۶	۰/۷۵	۵۱/۰۳	-۲۵
۱۹۱۴	۰/۷۶	۵۱/۷۱	+۱
۱۹۱۹	۱/۴	۹۵/۲۶	+۸۴

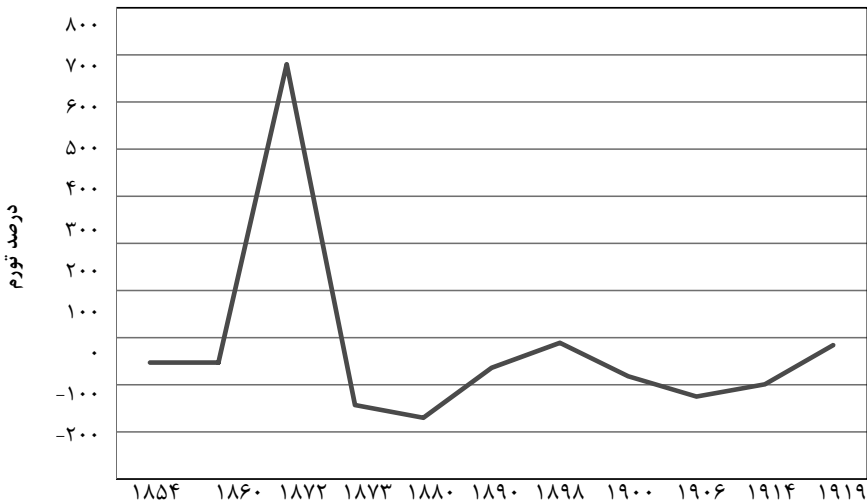
چنانچه از اعداد به دست آمده است، متوسط تورم سالانه از سال ۱۸۵۴ تا ۱۹۱۹ چیزی معادل ۱۲/۵ درصد بوده است. علت بالا رفتن نرخ تورم سالانه متوسط، بالا بودن نرخ تورم منتهی به سال ۱۸۷۲ میلادی است. اگر تنها به محاسبه نرخ تورم در سال‌های باثبات بیشتر پرداخته شود، یعنی

۱. مطابق کتاب گنج شایگان، یک اونس برابر ۲۸/۳۵۰ گرم است.

سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۹ که دوران مشروطه را نیز دربرمی‌گرفته، نرخ تورم سالانه به شکل متوسط ۵/۷ درصد بوده است. البته این ارقام با توجه به اینکه ارقام سالانه موجود نمی‌باشد و رقم‌های سال‌های بحرانی ثبت شده است، می‌تواند تا حدودی بالاتر از واقعیت باشد.

لازم به توضیح است که فوران (۱۳۸۳) در صفحه ۲۰۵ نیز در توضیح وضعیت تورمی این سال‌ها رقمی مشابه رقم بالا را ارایه کرده است.

«... قیمت مواد غذایی در سال‌های ۱۹۰۰-۱۸۸۰ / ۱۲۷۹-۱۲۵۹ شمسی در تهران ۵/۵ درصد بالا رفت، هرچند در سال ۱۹۰۸-۱۲۸۷ قیمت‌های مذکور بار دیگر کاهش یافت. این روند در رشت و تبریز نیز تکرار شد. در شهرهایی که به بازارهای تجارت بین‌المللی نزدیک نبودند، قیمت‌ها یا افزایش نیافت یا میزان افزایش چندان زیاد نبود. افزایش بیش از اندازه حجم پول و کاهش ارزش سکه‌های در گردش مسی، موجب شد پول عمده مورد استفاده پیشه‌وران، کارگران و تهیدستان شهری روز به روز کم‌ارزش‌تر شود...»
با توجه به جدول ۳، می‌توان میزان تورم در مصرف خوراکی را در طول سال‌های مختلف در نمودار ۱ نشان داد:



نمودار ۱: نرخ تورم سبد مصرف خوراکی خانوار ۴ نفره در طول ماه (بر اساس برنج)

همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، نقاط ماکزیمم، زمان‌هایی است که قحطی و یا جنگ در کشور وجود داشته و باعث افزایش قیمت‌ها شده است. با توجه به درآمد نسبتاً ثابت و یا کاهشده گروه‌های مختلف می‌توان چنین برداشت کرد که در دوره‌های قحطی خانوارها حتی برای خوردن نیز چیزی نداشته‌اند. نرخ بالای مرگ و میر در این دوران شاهدهی بر این مدعاست. به‌عنوان نمونه سال ۱۸۷۲ میلادی مصادف با قحطی بزرگ است. شدت آن به اندازه‌ای است که نیمی از جمعیت تهران بر اثر گرسنگی از بین می‌روند. عیسوی (۱۳۶۹) قحطی این سال را ناشی از مصایبی می‌داند که پیشتر در اوایل دهه شصت در قرن نوزدهم رخ داده است.

«... در اواخر سال ۱۸۶۰ دو مصیبت که به‌ترتیب در ایران رخ داد پیشرفت را متوقف ساخت و حتی واپسش راند. مرض ماسکاردین شدیداً محصول ابریشم را پایین آورد و یک‌سری خشکسالی که به قحطسالی سال ۱۸۷۲ انجامید. یکی از عوامل مخرب نیز تنزیل سریع نرخ پول رایج بود که یک قسمتش در نتیجه تنزل ارزش پول و یک قسمتش هم به خاطر سقوط ارزش نقره از اواخر سال ۱۸۶۰ به بعد بود...» (عیسوی، ۱۳۶۹، ۲۵).

درباره نقطه دومی که به حوالی سال‌های ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۸ رخ داده نیز اشاره‌هایی در تاریخ وجود دارد. گرانی، قحطی نان و احتکار مواد غذایی مواردی بوده که در این سال‌ها گزارش شده است. در خاطرات عین‌السلطنه و طسر انطباعات ناصرالدین شاه درباره سال ۱۸۹۷ میلادی چنین می‌توان خواند.

«... پنجشنبه سیم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۱۴، هوا به شدت سرد شده، جزیبی برفی آمد. اول یخبندان است، همه‌چیز گران، زغال‌سنگ که خرواری دو تومان و پنج هزار بود، هفت تومان قیمت پیدا کرده. هیچ‌کس نمی‌گوید این انحصار و مونوپول بانک را کی امضاء کرده و به دولت چه می‌دهد؟ کجا دولت قرارنامه داده است که زغال‌سنگ را او بفروشد و حال آن‌که اگر بیاورند خرواری پنج هزار قیمت خواهد داشت. آنقدر این معدن در ایران خصوصاً اطراف طهران زیاد است که حد و حصر ندارد. هیزم معمولی خرواری سه تومان و سه تومان و نیم است. برنج، روغن، گوشت، نان همه گران [است]. گوشت خیلی کم است. نظمی ندارد. رئیسی نیست. هر که، هر که [است] و چندی بعد بدتر خواهد بود. کار زندگانی خیلی سخت شده. [با] این پول‌های کم، و این مخارج زیاد از عهده نان و گوشت انسان بر نمی‌آید...» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ۱۱۱).

در واقع نمودار بالا، شیب رشد و دوره‌های خاص تاریخی را نشان می‌دهد. کلیه نکاتی که درباره جدول ۱ ذکر شد را نیز می‌توان در استفاده از این نمودار تورمی لحاظ نمود. لازم به توضیح است که

علی‌رغم موارد ذکر شده الگوی مصرف تک کالایی به شدت غیرواقعی و غیرمفید است و تنها می‌تواند نمایی از وضعیت اقتصادی ارایه دهد.

نمونه دیگری از محاسبه وضعیت اقتصادی خانوار را سیف (۱۳۷۳) برای دهقانان ارایه داده است. با توجه به همان میزان الگوی مصرف گزارش شده و تخمین درآمد سالیانه و ماهیانه دهقانان، میزان خرید ماهیانه ایشان را درباره هر کدام از اقلام مندرج در جدول، به‌دست آورده است:

«... مرفه‌ترین دهقانان ایران به راستی بی‌چیز و فقیر بودند و به این ترتیب وضع دهقانان در دیگر استان‌ها روشن می‌شد. اگر درآمد سالیانه را ۵ پوند^۱ بگیریم، درآمد روزانه یک دهقان فقط ۳/۲۵ پنس قدیم می‌شود و اگر مقدار درآمد سالیانه ۹ پوند مد نظرمان باشد، درآمد روزانه معادل ۶ پنس قدیم (یا ۲/۵ پنس جدید) خواهد بود. از یک دهقان گیلانی همه درآمد روزانه را صرف خرید یک قلم از ضروریات می‌کرد». بر اساس قیمت‌های جاری در سالی که تخمین درآمدها صورت گرفته جدول زیر حاصل می‌شود:

جدول ۴: میزان اقلام قابل خریداری با احتساب درآمد دهقانان^۲

اقلام	۵ پوند درآمد سالیانه	۹ پوند درآمد سالیانه
برنج	۲/۷	۵/۴۵
گندم	۳/۱۸	۵/۹
جو	۲/۷	۵/۴۵
آرد	۱/۸	۳/۱۸
گوشت گوسفند	۰/۴۵	۰/۹۰
گوشت گاو	۰/۹۰	۱/۸
صابون	۰/۴۵	۰/۹۰

جدول مذکور نشان می‌دهد که کل قدرت خریدی که یک دهقان یا یک خانوار دهقانی در سال ۱۸۷۶ داشت، برای مثال معادل ۴۵۰ گرم صابون و یا کمتر از یک کیلو گوشت گاو و یا ۲/۷ کیلوگرم برنج در روز بود. این درست است که این برآوردها بر اساس تخمین درآمد سالیانه‌ای معادل ۵ پوند

۱. در سال ۱۹۱۵ میلادی یک لیبره انگلیس معادل ۴۳/۵۸ قران بوده است. هر لیبره استرلینگ یا پوند معادل ۰/۰۱ پنس بوده است.

۲. این جدول بر اساس قیمت‌هایی که در سند زیر آمده است محاسبه شده: چرچیل، گزارش کنسولی (تجارت گیلان) در پاپ ۱۸۷۸، جلد ۷۴.

به دست آمده است، ولی از ذکر این نکته نیز ناگزیر می باشد که این دهقانان علی رغم هزینه های مواد غذایی هزینه های دیگری هم داشتند...» (سیف، ۱۳۷۳، ۹۵).

سیف (۱۳۷۳) همین تخمین و محاسبات را درباره کارگران در سال ۱۸۹۱ تکرار کرده است: «... یه کارگر معمولی روزی یک قران درآمد داشته. درآمد سالانه ۳۱۲ قران. بدون بیکاری و بیماری. توانایی خرید او در روز یک قلم از اقلام زیر می توانسته باشد: ۳/۵ کیلو نان، کمی کمتر از سه کیلو برنج، مرغ ۳ عدد در دو روز، گوشت گوسفند ۳ کیلو در دو روز، تخم مرغ ۲۶ عدد، ماهی شور یک و یک چهارم ماهی، بدون خرج های دیگر. اگر کارگر زن و بچه هم داشته باشد وضعیت وخیم تر می شود. در یزد ۶۰ درصد حقوق تنها صرف خرید نان برای دو نفر می توانست بشود...» (سیف، ۱۳۷۳، ۲۴۴).

درباره هزینه های متوسط خوراک یک خانوار شهری ساکن پایتخت با احتساب یک قلم جنس، و نیز هزینه های یک دهقان روستایی نکاتی ذکر شد. دهقانان و روستائینان تا زمانی که دارای زندگی مستقل از شهر بودند، علی رغم تعدی های ماموران دولتی برای گرفتن مالیات و دیگر مواجب نقدی و غیرنقدی، امکان گذران زندگی متوسطی را داشته اند، اما به مرور زمان با اقتصادی شدن کشاورزی و تلاش برای تولید محصولاتی که در زمره محصولات پرفروش و یا صادراتی باشد، تولید آنها را با آنچه نیاز مصرفی شان است، متفاوت کرد. از این رو نیاز به مبادلات پولی پیدا شد و همین امر آرام آرام پای محصولات دیگر را به روستاها باز کرد. خودکفا نبودن روستائیان آغازی بر مشکلات اقتصادی و فقر هرچه بیشتر ایشان بود. چنانچه در جدول ۴ هم نشان داده شد، تمکن مالی و توانایی گذران زندگی متوسط نیز برای این جماعت به دشواری صورت می پذیرفت.

درباره شهرنشینان گروه های درآمدی متفاوتی را باید در نظر گرفت. طبقات بالا و متوسط از زندگی متوسط با رفاه لازم برخوردار بودند. خصوصاً اینکه هزینه هایی مثل مسکن نیز در سبد مصرفی ایشان لحاظ نمی شد، اما درباره طبقات پایین بازهم مشکلاتی بود. گروه هایی که بیکار بوده و یا کار ثابتی نداشتند، زندگی را به سختی می گذراندند. تفاوت بین فقرای شهری و روستایی نزدیکی ایشان به طبقات مرفه و امکان استفاده از کمک های ایشان بود. مسئله ای که در جامعه شهری بسیار دیده می شد.

درباره هزینه های خانوار نکاتی گفته شد. هرچند به دست آوردن قیمت ها در میان اسناد دشوار بود، اما از آن دشوارتر به دست آوردن رقم درآمدهای افراد است^۱. نبودن هیچ گونه امکان ثبت و ضبط

۱. این موضوع در این پژوهش به شکل پیش فرض در نظر گرفته شده است، بنابراین برای محاسبات اقتصادی به طور معمول به جای استفاده از درآمد افراد به هزینه های ایشان رجوع می شود.

درآمدها و مهم‌تر از آن سنت پنهان کردن درآمد و داشته‌ها نزد ایرانیان، ثبت و ضبط درآمدهای گروه‌های مختلف را با مشکل روبه‌رو ساخته است. تنها درآمدهایی که در برخی از اسناد ذکری از آنها رفته است، درآمدهای دولتی و یا حقوقی است که به طور مثال سفیران خارجی به گروه‌های مختلف پرداخته‌اند و در سفرنامه‌های‌شان درباره آن نوشته‌اند. به‌عنوان نمونه به چند مورد از درآمدهای ذکر شده می‌توان اشاره‌ای داشت:

حقوق یک خارجی را در پیش از مشروطه و اواخر دوره ناصری و دوره مظفالدین شاه حدود ۱۰۰ قران ذکر کرده‌اند که ۳۵ قران آن خرج مسافرخانه شده بود. مواجب‌بگیران حکومتی نیز حقوق ثابتی را نسل در نسل گرفته‌اند و مقدار آن روندی صعودی داشته است. نظامیان و کارمندان در سطح عالی هم زندگی در طبقه بالا و یا متوسط رو به بالا را تجربه می‌کردند. در میان کسبه وضع تجار و بازرگانان بزرگ مشخص است. آن گروهی که به مرور اوضاع اقتصادی‌اش دستخوش تغییر شده و در نهایت به ورشکستگی رسیده است، پیشه‌وران هستند. طبقات دیگر که بخش زیادی از جامعه شهری را دربرمی‌گرفتند، خدمه بودند. نمونه و مظنه‌ای از حقوق دریافتی این گروه در سال ۱۸۸۱ میلادی و ۱۲۵۹ شمسی به قرار زیر بوده است:

«حقوق یک نفر ناظر خرید و سر پیشخدمت در هر ماه: ۵۰ قران؛

یک آشپزخوب در هر ماه: ۵۰ قران؛

یک پیشخدمت خوب در هر ماه حدود: ۴۰ تا ۵۰ قران؛

یک فراش (نظافت‌چی یا امربر و نامه‌رسان) حدود: ۲۵ قران؛

یک شربت‌دار (آبدارخانه‌چی) مسئول تهیه شربت و چای: ۲۵ قران؛

یک نفر فراش درجه دوم: ۲۰ قران؛

یک نفر فراش درجه سوم: ۱۵ قران؛

کمک آشپز یا شاگرد آشپز: ۱۰ قران؛

یک نفر زن لباسشوی و نظافت‌چی منزل: ۳۵ قران؛

یک نفر کلفت منزل: ۲۵ قران؛

یک مهتر یا سرمیرآخور (تیمار و نگهداری‌کننده اسب‌ها): ۳۰ قران؛

شاگرد مهتر: ۲۰ قران» (ویلز، ۱۳۶۸، ۱۰۷).

کرزن نیز نمونه‌ای از حقوق برخی پیشه‌وران را این چنین برآورد کرده است:

«... هنگام مسافرت ۱۸۹۰ من میزان مزد روزانه پیشه‌وران از قرار ذیل بود: نجار سه قران یا یک

شیلینگ و نه پنس، بنا دو قران، آهنگر یک قران و نیم کارگر معمولی یک قران یا هفت پنس ...» (کرزن، ۱۳۶۲، ۲۳۴).

عیسوی (۱۳۶۹) نیز به ذکر پاره‌ای از دستمزدها در سال‌های مختلف پرداخته است: «... با توجه به دستمزدها در سال ۱۸۷۲ یک نفر کارگر روزمزد در رشت ۸ تا ۱۰ شاهی دریافت می‌کرد و نجاران و بناها ۲ قران می‌گرفتند. در سال ۱۸۷۸ دستمزد کارگران کشاورزی به طور متوسط روزانه ۳ دینار بود، ولی آنها جیره و سایر مزایا دریافت می‌کردند که با ارزش پول دستمزد آنها تا ۶ دینار در روز می‌رسید. در آخر قرن نوزدهم هزینه‌ها به شدت بالا می‌رود و دستمزدها گاهی تا صد درصد بالا می‌رود. البته همچنان اندک است. به نظر می‌رسد که دستمزد یک قران برای کار روزانه کارگران غیرماهر در سال ۱۸۹۰ در همه جای ایران معمول بوده است ...» (عیسوی، ۱۳۶۹، ۶۰).

با مقایسه بین حقوق دریافتی و قیمت‌های اقلام غذایی می‌توان به این نتیجه رسید که «... در تهران به‌عنوان گران‌ترین شهرهای کشور یک خانواده چهار نفره با روزی ده شاهی به راحتی و با روزی یک قران با کمال خوشی زندگی می‌کردند ...» (گوبینو، ۱۳۸۵، ۴۴).

البته لازم به توضیح است کلیه موارد یاد شده متعلق به زمان‌هایی است که قحطی و یا بیماری و شرایط خاص اقتصادی یا بین‌المللی کشور را درگیر خود نکرده باشد. در غیر این صورت محاسبه هر کدام از این مسایل نیازمند تدقیق بیشتر و یافتن اطلاعات جزئی‌تر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دوره مشروطه دورانی است که از آن به دوران شکل‌گیری اقتصاد مدرن یاد می‌کنند. علت این امر هم شکل‌گیری و تاسیس سازمان‌ها یا نهادهای مدرن اقتصادی در این دوره است. زمانی که پس از سال‌ها سازمان و دفتر برای حساب و کتاب‌های اقتصادی به شکل رسمی به‌وجود می‌آید، وزارت تجارت شکل می‌گیرد، نهادهای مالیه منظم‌تر می‌شوند و برخی دیگر از نهادهای لازم برای اقتصاد سازمان می‌یابند. نکته‌ای که در این دوران وجود دارد این است که علی‌رغم پیدایش سازمان‌های اقتصادی در این دوران، نهادها یا قواعد و قوانین شکل‌دهنده این سازمان‌ها کمتر شکل گرفته‌اند. می‌توان به قوانین ثبت شده‌ای درباره امور اقتصادی دسترسی داشت. آنچه هست از خلال اصلاحات و روشن‌بینی‌های دوره‌ای برخی از افراد از جمله امیرکبیر و یا به جهت مواجه روشنفکران ایرانی با غرب و سفرهای متعدد شاهان انتهایی دوره قاجار با غرب به وقوع پیوسته است. تلاش برای مدرنیزاسیون، مهم‌ترین چیزی است که برای این دوران می‌توان تعریف کرد، اتفاقی که ماهیت فرهنگی ایرانی کمتر

امکان پذیرش آن را داشته و به مرور منجر به شکست شده است.

در این فضا، کسب و کار و فعالیت اقتصادی وجود داشته است. تجار و بازاریان، اصناف و پیشه‌وران، کارگران کشاورزی و کارگران صنعتی، شاغلان در مشاغل جدید و مدرن برخی از دسته‌بندی‌هایی هستند که در این دوره دیده می‌شوند. دسته‌بندی‌هایی که بیشتر متعلق به زندگی‌های شهری و در ارتباط آنهاست. جماعتی که در این زمان در شهرها زندگی می‌کنند، در اغلب موارد امکان گذران زندگی متوسط را داشته‌اند. شیب توری برای امور اساسی زندگی مطابق با دستمزدها تعریف شده است، اما گروه‌هایی هستند که دارای دستمزدهای پایین بوده و از مخارج تنها خوراک خود و خانواده خود بر نمی‌آمدند. کلیه موارد ذکر شده در دوره‌های قحطی و خشکسالی به هم ریخته و زندگی بر مردم سنگین و سخت شده است.

درباره روستاییان و طبقه‌ای که در روستاها زندگی می‌کردند، مشکلات بیشتری وجود داشته است. هر چند این گروه در ابتدا زندگی مستقلی از شهرها داشته و موارد مورد نیاز برای استفاده را خود تهیه می‌کردند، اما به مرور با افزایش نیاز و وابستگی ایشان به اقلام خارجی و تلاش برای ایجاد کشاورزی اقتصادی ماجرا تغییر نمود و اوضاع اقتصادی ساکنین روستاها به مراتب از اوضاع شهرنشان بدتر شد.

نکته مورد توجه این است که علی‌رغم پیدایش شکاف طبقاتی و درآمدی در میان مردم شهرنشین، به دلیل خصلت انفاق و کمک‌های عرفی و شرعی، فاصله فرهنگی اغنیاء و فقرا چندان نبود. فرهنگ دست‌گیری از نیازمندان رعایت می‌شد، اغنیاء کمتر به مال و اموال خود اظهار می‌کردند و این چنین بود که چندان نمی‌توان به شکاف اقتصادی بارزی در عرصه اجتماعی رسید. هر چند که تفاوت درآمدها و فاصله داشتن در سبک‌های زندگی در این دوران به وضوح دیده شده است.

منابع

الف) فارسی

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. (۱۳۷۵). *مجلس و انتخابات - از مشروطه تا پایان قاجاریه*. تهران: نشر تاریخ ایران. صفحه ۷۵.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان. (بی تاریخ). *المآثر و الآثار (وزیر انطباعات دوره ناصر)*. کتاب خطی. انتشارات کتابخانه سنائی.

- بروگش، هنریش. (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحبقرآن*. ترجمه محمدحسین کردبچه. چاپ سوم. انتشارات اطلاعات. صفحه ۲۲۹.
- پولاک، یاکوبادوارد. (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. ترجمه کیکاووس جهانداری. چاپ اول. تهران: انتشارات خوارزمی. صفحه ۶۸.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. چاپ اول. نشر تاریخ ایران. صفحات ۲۴-۳۳۹.
- تقوی، مهدی و نخجوانی، سیداحمد. (۱۳۷۹). *روند فقر در ایران طی دهه گذشته*. مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. صفحه ۹۷.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۳۵). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*. تهران. صفحات ۲۲۵-۱۸۶.
- دل‌انگیزان، سهراب. (۱۳۷۶). *برخی شناسه‌های فرهنگ اقتصادی، مطالعه موردی کرمانشاه*. مجله تازه‌های اقتصاد، شماره‌های ۶۴ و ۶۵، صفحات ۴۵-۲۴.
- دوروشوار، کنت‌ژولین. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مه‌رمان توکلی. تهران: نشر نی. صفحه ۷۰.
- فوران، جان. (۱۳۸۳). *مقاومت‌کننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال‌های بعد از انقلاب اسلامی)*. ترجمه احمد تدین. چاپ پنجم. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. صفحه ۲۰۵.
- گوبینو، دو. (۱۳۸۵). *سه سال در ایران*. ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصوری. چاپ اول. نگارستان کتاب. صفحات ۴۴-۴۳.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد سوم. تهران: انتشارات نگاه. صفحه ۴۰۵.
- رنه‌دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه فره‌وشی و همایون. رشت: چاپ گیلان. صفحات ۱۱۶-۳۴۰.
- سیف، احمد. (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشر چشمه. صفحات ۲۹۸-۹۵.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه. ق.)*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. نشر گستره. صفحات ۵۳۴-۲۵.
- عین‌السلطنه. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور)*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. جلد دوم. تهران: انتشارات اساطیر. صفحات ۱۷۵۱-۱۱۱۱.
- غروی‌نخجوانی، سیداحمد. (۱۳۸۴). *فقر در خانواده‌های ایرانی*. فصلنامه علمی پژوهشی *رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، صفحات ۲۵-۱۷.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. چاپ اول. تهران: نشر صبح صادق. صفحات ۱۲۸-۲۸.
- کرزن، جرج. (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. جلد اول. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی. صفحه ۲۳۴.
- گزارش کنسولی (تجارت ولایت استرآباد). (۱۳۷۶). *اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم*. ترجمه معصومه

جمشیدی، محمدتقی حروفچین، محمد عوادزاده و مهرنوش میراحسان. گزارش هیات بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران. چاپ اول (۱۸۸۲). جلد ۷۱. موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. مستوفی، عبدالله. (۱۳۲۴). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه). جلد اول. ناشر کتابفروشی محمد علی علمی. صفحه ۲۴۷.

ویلز، چالز. (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز). ترجمه غلامحسین قراگوزلو. چاپ اول. انتشارات اقبال. صفحات ۲۲۵-۱۰۷.

ویلس، چارلزجیمز. (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه. ترجمه سیدعبدالله به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیک‌نام. چاپ دوم. نشر طلوع. صفحه ۲۱۹.

(ب) انگلیسی

Cockerham, W., & Rutten, A. (1997). Conceptualizing rationality and health lifestyles: Moving beyond Weber. *The Sociological Quarterly*, 38(2), 321-342.

Townsend, P. (1985). *A sociological approach to measurement of poverty: A rejoinder to professor Amartya Sen*. Oxford Economic Papers. p. 31.

پیوست ۱: نحوه به دست آوردن حدود نسبی قیمت‌ها در تهران

برای جداول ۱ و ۲ به دست آوردن حدود نسبی قیمت‌ها در تهران از روی قیمت‌های منتشره در تبریز در دو سال ۱۸۷۲ و ۱۸۷۳ استفاده شده است.

قیمت اقلام تهران سال ۱۸۷۳ در هر کیلوگرم	قیمت اقلام تهران سال ۱۸۷۲ در هر کیلوگرم	قیمت اقلام تهران سال ۱۸۷۳ در هر باتیمان	قیمت اقلام در تهران سال ۱۸۷۲ در هر باتیمان*	نسبت قیمت تهران به تبریز در سال ۱۹۰۰	اقلام مورد استفاده
۰/۳۵ تا ۰/۵۲	۰/۶۲ تا ۰/۶۱	۲/۸۸ تا ۱/۹۲	۳/۴۴ تا ۳/۳۶	۱/۶	گندم
۱/۳ تا ۱/۱	۲/۱۸ تا ۱/۸۲	۷ تا ۶	۱۲ تا ۱۰	۱	کره
۰/۵۷ تا ۰/۵۴	۰/۸۶ تا ۰/۵۷	۳/۱۵ تا ۳	۴/۷۲ تا ۳/۱۵	۱/۵	گوشت
۲/۳۶ تا ۲	۲/۳۶ تا ۲	۱۳ تا ۱۱	۱۳ تا ۱۱	۱	قهوه
۰/۰۳ تا ۰/۰۲	۰/۳۸ تا ۰/۳۶	۰/۱۶ تا ۰/۱۴	۲/۱۲ تا ۲	۱/۱۸	جو

* هر باتیمان معادل ۵/۵ کیلوگرم لحاظ شده است.

به دست آوردن قیمت‌ها در این تاریخ به خاطر قحطی بزرگ سال ۱۸۷۲ به نظر مهم می‌آید.

پیوست ۲: مقایسه ارقام ارایه شده برای برخی از اقلام مصرفی در شهر مشهد در سالیان مختلف

جدول زیر با تغییراتی از منبع اصلی ارایه شده است.

کالا	۱۸۹۷-۹۸	۱۸۹۸-۹۹	۱۹۰۴-۵	۱۹۰۵-۶
گوشت گاو	۰/۶۷	۱/۵	۱/۷۸	۱/۸۳
نان	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۵	۰/۴۵
روغن	۲	۳/۶۷	۵	۵/۹۲
برنج	۰/۶۷	۱	۱/۶۷	۱/۶۵
شیر	۰/۲	۰/۳۳	۰/۶۷	۰/۶۷
زغال	۰/۰۸۳	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۲۳
هیزم	۰/۰۴۲	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۱۲

مأخذ: عیسوی، ۱۳۶۹، ۵۳۴